

تحت ستم ما و بویژه این بخش از جامعه قرار دارد، و از طرف دیگر سطح بالایی از آگاهی مبارزاتی و رشادت دانشجویانی را آشکار ساخت که در مقابل دیکتاتوری حاکم و سمپاشی های ضد انقلابی بسیجی های مزدور و "سربازان گمنام امام زمان" که در لباس دانشجو ظاهر می شوند، شجاعانه ایستادند و علنا گفتند که فریب تبلیغات ضد کمونیستی و ضد خلقی آن را نمی خورند.

همه می دانند که چند روز پس از حضور لاریجانی مزدور و سخنرانی وی در دانشگاه شیراز که به هو کردن وی و اعتراض شدید دانشجویان این دانشگاه بر علیه نهادهای سرکوبگر جمهوری اسلامی انجامید، این دانشگاه دوباره به صحنه برخورد بین دانشجویان آزادیخواه و مزدوران رسمی و غیر رسمی فعال در ارگانهای سرکوب حکومت تبدیل شد. واقعیت به این صورت بود که در جریان جلسه ای که از سوی مزدوران انجمن اسلامی رژیم در دانشگاه شیراز زیر عنوان «پشت پرده ی تحصن های صنفی در دانشگاه های کشور» و «بررسی جریان های رادیکال در دانشگاه» برگزار شده بود، دانشجویان مبارز که شاهد سم پاشی ها و دروغگویی های بی شرمانه سخنرانان این جلسه بر علیه جنبش دانشجویی و مبارزات کارگران و خلقهای تحت ستم بودند، به اعتراض برخاسته و یکی از آنان با گرفتن بلندگو ضمن "نامردمی" خواندن حکومت و تشبیه برخوردهای آن به "حیوان"، در پاسخ به برخی اراجیف وابستگان به انجمن های اسلامی در مورد "وابستگی" دانشجویان مبارز و "هدایت" جنبش دانشجویی توسط "آمریکا و بریتانیا" و "گروه های وابسته و جدایی طلب" به مقابله با این اراجیف برخاست و با افشای مزدوران رژیم سخنان آگاهگرانه ای را مطرح کرد که با تشویق بسیار زیاد حاضرین روبرو شد. او در سخنان خود با رد دروغپرازیهای سخنران، تاکید کرد که با وجود آن که خودش یک دانشجوی "سوسیالیست" نیست، اما "سوسیالیستها را دوست دارد" و همچنین به تمام خلقهای تحت ستم ایران احترام می گذارد و برغم تحریفات سخنران در مورد مفهوم "رادیکالیسم"، وی خود را دانشجوی "رادیکالی" می داند که معتقد به "حل ریشه ای مسایل و مشکلات" است. در پایان هنگامی که با مقاومت و افشاگرهای جانانه دانشجویان، جلسه عوامفریبانه انجمن اسلامی دانشگاه شیراز به هم خورد دانشجویان با شعارهای "ما زن و مرد جنگیم، جنگ تا جنگیم" و "توپ، تانک، بسیجی، دیگر اثر ندارد" تجمع کرده و نفرت خود از رژیم و مزدورانش را هر چه روشنتر به نمایش گذاردند. **صفحه ۴**



"صحت یک برگ نیست، وای جنگل را بیابان می کنند، هیچ حیوانی به حیوانی نمی دارد روا، آنچه این نامردمان با جان انسان می کنند. من سوسیالیست نیستم، اما سوسیالیست ها را دوست دارم! من فارس، بلوچ، کرد، ترک و عرب و تمامی مردم از هر نژاد و قوم قبیله ای که باشند را دوست دارم... شما گفتید رادیکالیسم با تسامح یعنی انحراف، اما رادیکال بودن به معنای برخورد ریشه ای با مسائل و مشکلات است و طبق این تعریف من هم رادیکال هستم..." ، "مازن و مرد جنگیم، جنگ تا جنگیم"...

(بخشی از شعارها و اظهارات دانشجویان دانشگاه شیراز در تاریخ ۲۲ مهر ماه در جلسه ای که توسط انجمن اسلامی دانشگاه شیراز برگزار شد)

رویدادهای جاری در هفته های اخیر در دانشگاه شیراز یکبار دیگر نه تنها شدت نفرت توده ای از رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در دانشگاه ها را به نمایش گذارد بلکه درجه آگاهی و پتانسیل مبارزاتی خفته در میان دانشجویان مبارز را نیز بطور برجسته به منصفه ظهور رسانید. این حرکت از یک طرف نشان داد که جمهوری اسلامی تا چه اندازه مورد تنفر و آماج خشم توده های

گرایش به مارکس باز هم گسترش می یابد

وسعت گرایش روزافزون جوانان به اندیشه های مارکسیستی و بطور مشخص به آثار رهبران و متفکران بزرگ طبقه کارگر نظیر مارکس و انگلس در ماه های اخیر به موضوعی قابل توجه برای رسانه های خبری بورژوازی تبدیل شده است. تا جایی که آنها از گسترش استفاده از شعار هایی با مضمون "کارگران جهان متحد شوید"، "بحران ذاتی نظام سرمایه داری ست"، "اگر مارکس زنده بود می گفت دیدید که درست می گفتیم!" و ... استقبال و فروش بی سابقه کتابهای مارکس و انگلس بویژه "مانیفست حزب کمونیست" در میان جوانان، گزارش می دهند. روزنامه تایمز لندن در گزارشی در همین ارتباط به بانکداران و صاحبان موسسات مالی به مثابه عوامل اخراج هزاران کارگر و کارمند "هشدار" داده است. همچنین کتابفروشی های آلمانی از فروش بی سابقه کتابهای پایه ای مارکس و انگلس پس از چند دهه کاهش سخن گفته اند. مسنول موزه شهر زادگاه مارکس به نام Trier اخیرا در مصاحبه ای گفته است که شمار ملاقات کنندگان این محل در سال جاری با افزایش قابل ملاحظه ای به "۴۰ هزار" تن رسیده است و او دیگر تعداد ملاقات کنندگانی که معترفند مارکس "درست" می گفته است را بخاطر شمار بالای آنان بخاطر نمی آورد. مسنولین یکی از بزرگترین کتابفروشی های آلمان بنام David Dietz گفته اند که در سال جاری فروش کتابهای مارکس به شکل "قابل توجهی" رشد کرده است.



حیات نظام استثمار گرانه سرمایه داری..... از صفحه ۴

مرگبار ناشی از آن در زندگی توده ها می باشند، انگشت اتهام را به سوی یکدیگر و برخا نیز به سوی بعضی عوامل فرعی دخیل در این وضع فاجعه بار گرفته و تلاش می کنند تا وجود بحران را امری موقتی که با اقدامات کنونی دیگر برای همیشه از بین خواهد رفت، جلوه دهند.

برغم این تبلیغات اما، واقعیت این است که بحران اقتصادی اخیر نه برای اولین بار است و نه برای آخرین بار خواهد بود که اتفاق می افتد. اگر نخواهیم راه دوری برویم انسانهایی که هم اکنون در رقیب حیاتند، از جنگ جهانی دوم به این سو (جنگی که خود از یکسو زاینده تضادهای ذاتی و بحرانهای درمان ناپذیر نظام سرمایه داری و از سوی دیگر پاسخی برای تخفیف آن بود) با حداقل چند موج بحران سرمایه داری روبرو شده اند که در جریان هر یک از آنها حیات و معاش میلیونها تن از کارگران و زحمتکشانشان در کشورهای متروپیل و وابسته نابود شده تا تداوم منافع امپریالیستها و سرمایه داران زالو صفت تضمین گردد. بحران اقتصادی دهه ۸۰ در جهان سرمایه داری و رشد نرخ بهره در آمریکا، بحران وامهای پرداختی به کشورهای مقروض و اثرات وحشتناک آن در مقروضتر شدن هر چه بیشتر کشورهای وابسته در اواخر همان دهه، بحران در هم پاشیدگی اقتصادی کشورهای مدل موسوم به "اقتصاد برهه های آسیای جنوب شرقی" در دهه ۹۰، بحران موسوم به "ترکیدن حباب اینترنتی" در اوایل سالهای ۲۰۰۰ و بالاخره بحران اخیر همگی نشان دهنده روندی هستند که در جریان آن هر از چندگاه یکبار با رشد تناقضات ذاتی نظام امپریالیستی (از جمله رشد فزاینده انحصارات و تمایل ناگزیر به رکود و گنبدگی و هرج و مرج در تولید)، بحران و رکود از یک گوشه نمایان شده و بسته به طول و عمق بحران، موج جدیدی از فقر و بیکاری و گرانی و گرسنگی و فحشا و جنگ و تمامی تجلیات نکبت بار جامعه طبقاتی را برای بخش بزرگی از ستمکشانشان به ارمغان می آورد.

با توجه به واقعیت فوق، موج جدید بحران کنونی نیز امری غیر قابل پیش بینی و یا "غرش رعد در آسمان بی ابر" نبود. همه می دانند که در سالهای اخیر تشدید پروسه سرازیر کردن سرمایه ها به عرصه های مسکن و به موازات آن تشویق هیستریک مردم توسط طبقه حاکم به "مصرف، مصرف، مصرف" و پرداخت وامهای موسوم به "وامهای بد" (وامهایی که وام گیرندگان قادر به باز پرداخت آن نبودند) که تنها و تنها به مقروض ساختن هر چه طولانی مدت تر مردم به بانکها منجر می شد در طول چند سال بالاخره وضع را بحالت انفجار رسانید و بانکها با تریلیونها دلار اعتبارات غیرقابل بازگشت روبرو شدند. در این زمینه می توان به یک مورد از زمینه هایی که بیانگر بحران کنونی است اشاره نمود و آن این که حدود یکسال پیش و در اوج تبلیغات سیاستمداران و نظریه پردازان نظام سرمایه داری در مورد "تضمین رشد

بقیه شرکای امپریالیست ریز و درشت آمریکا در اتحادیه اروپا و همچنین کل کشورهای صنعتی نیز اعلام کرده اند که برای "نجات" اقتصاد خود، همین رویه را پیاده کرده و با اقدامی بی سابقه صد ها میلیارد دلار را برای سر پا نگه داشتن موسسات و بنیادهای مالی و اعتباری و صنعتی ورشکسته نظام فرتوت سرمایه داری، از جیب دولتها هزینه خواهند نمود. این اقدامات یعنی به جلوی صحنه راندن دولت ها برای نجات سرمایه داران در شرایطی با دستپاچگی تمام صورت می پذیرد که سیاستمداران مزدور بورژوازی در تمام کشورها سالهاست که از مزایای "خصوصی سازی" و ضرورت "عدم دخالت" دولتها در تعیین مکانیزم بازار به منظور تضمین "رشد اقتصادی" سخن سرایی کرده وزیر اسم پرطمطراق گسترش "بازار آزاد" - که معنای آن در حقیقت چیزی جز برداشتن هرگونه مانع بر سر راه توسعه جنایتبار سرمایه های امپریالیستی و قطع تدریجی اما وحشیانه تمامی کمک های اجتماعی و خدمات دولتی برای اکثریت قاطع آحاد جامعه یعنی کارگران و توده های محروم نبوده است- دست انحصارات خونخوار امپریالیستی و سرمایه داران وحشی و استثمارگر را برای مکیدن شیره جان توده های تحت ستم باز گذاشته اند. برغم این ادعاها اکنون خود جریان زندگی نشان می دهد که در اثر اجرای سیاست "بازار آزاد" و "خصوصی سازی" و در دهه های اخیر نه تنها در زندگی اکثریت ستمکشانشان جامعه "رشد و رفاهی" بوجود نیامده بلکه تمامی ادعاهای کارگزاران نظام سرمایه داری در مورد رشد اقتصادی نقش بر آب شده و بار دیگر هیولای بحران و رکود تارو پود این نظام استثمارگرانه را در نوردیده و معضلات و بدبختی های هر چه بیشتری را متوجه میلیاردها تن از کارگران و خلقهای تحت ستم در سراسر دنیا کرده و خواهد کرد.

به این ترتیب در چارچوب بحران جاری ما شاهدیم که دولتهای مزدور سرمایه داری با فراموش کردن تمامی تبلیغات عوامفریبانه خود مبنی بر ضرورت عدم دخالت دولت در روندهای اقتصادی با دستپاچگی تمام کمر به دخالت مستقیم برای نجات سرمایه های اقلیت استثمارگر حاکم بسته و از طریق ریختن هر چه بیشتر درآمدهای عمومی به کام سیری ناپذیر سرمایه داران زالو صفت به دخالت گسترده دست زده اند.

در بطن این اوضاع کارشناسان سرمایه داری نیز هر یک برای توجیه وضع موجود و پوشاندن نقش انکارناپذیر نظام سرمایه داری مبتنی بر مالکیت خصوصی در تشدید فقر و بیکاری و ذلت توده ها در جریان بحران کنونی و برای پوشاندن این واقعیت تاریخی که بحران اقتصادی ذاتی نظام سرمایه داری بوده و گردانندگان این نظام استثمارگرانه خود آفریننده و عامل بحران و تمامی نتایج



اقتصادی"، یکی از روزنامه های بریتانیایی (مترو) نوشت که مبلغی را که مردم انگلیس تنها به واسطه بدهی های خود به بانکها از طریق کارتهای اعتباری مقروض اند سر به بیش از یک تریلیون و صد میلیارد پوند می زند.

بنابر این فریادهای عوامفربانه مبلغان جیره خوار بورژوازی مبنی بر رشد و شکوفایی اقتصادی ابدی و این که گویا دموکراسی و ترقی و رفاه برای تمام بشریت در چارچوب نظام سرمایه داری و سلطه امپریالیسم بر جهان (آن هم فارغ از تعلق طبقاتی) ممکن است، نمی توانست تا ابد ادامه پیدا کند. با وقوع بحران وحشتناک کنونی "آقای واقعیت" با قاطعیت بیشتری حضور اجتناب ناپذیر خود را از ورای موج بحران کنونی اعلام نمود و بر خواست قلبی و حقانیت مبارزات میلیاردها تن از کارگران و خلقهای تحت ستم و توده های زحمتکش و بی چیز برای ضرورت تغییر بنیادی این وضع نکبت بار تاکید کرد.

همانطور که بررسی تاریخ معاصر سرمایه داری نشان می دهد، در این شکی نیست که امپریالیستها و سرمایه داران غارتگر با وقوع هر یک از بحرانهای مرگبار این نظام استثمارگرانه و ارتجاعی به دست و پا افتاده و برای نجات خود و سرمایه ها و منافعشان از

جنگ بحران تلاش می کنند که از طریق تشدید استثمار و غارت توده های محروم و تحمیل فقر و فلاکت و گرسنگی و بیکاری، جنگ و بیماری و ... بار خانه خراب کن بحرانهای خویش را بر دوش آنها سرازیر سازند. در نتیجه، در نگاه اول به چشم انداز وضع بحرانی کنونی، تصویر دهشتناک دوره ای دیگر از مصایب و محرومیتهای اقتصادی و سیاسی کارگران و خلقهای تحت ستم در سراسر دنیا نقش بسته است. اما این تمام تصویر نیست. **به قول انگلس اندیشمند کبیر پرولتاریا، بحرانهای اجتناب ناپذیر سرمایه داری " هر بار فقر عظیمی همراه با یک روحیه انقلابی در کارگران به بار آورده" و "نظام موجود را به خطر انداخته است" (انگلس، اصول کمونیسم) تاکید از ماست. در صحنه کنونی نیز، درست در حالی که سرمایه داران استثمارگر برای نجات از مرگ و زوال نظام شان خود را برای سازماندهی موج جدیدی از یورش غارتگرانه و سرکوبگرانه به کارگران و خلقهای تحت ستم آماده می کنند؛ در همان حال جبهه جدیدی از مبارزات انقلابی توده های ستمکش در مقابل آنها صف می بندد. راه خوشبختی نهایی بشریت از مسیر شرکت در این جبهه انقلابی برای نابودی نظام گنبدیده سرمایه داری این عامل اصلی فقر و فلاکت و گرسنگی و سرکوب میگذرد.**

دولت آمریکا و افزایش سرسام آور هزینه های نظامی

بر طبق اخبار منتشره وزارت دفاع آمریکا در نظر دارد که در ۵ سال آینده علاوه بر آنچه هم اکنون صرف هزینه های نظامی می کند مبلغ ۹۰۰ میلیون دلار دیگر را نیز تنها برای توسعه سیستم های امور دفاعی خویش اختصاص دهد. این خبر در حالی منتشر می گردد که کنگره آمریکا اخیرا اعلام نمود که هزینه های نظامی این کشور در سال ۲۰۰۷، به رقم بی سابقه ۱/۴ تریلیون دلار بالغ شده است.

هزینه های نظامی دولت آمریکا در سال ۲۰۰۰ تقریبا ۸۰۰ میلیارد دلار بود و ارقام منتشره در ارتباط با این مخارج در سال گذشته بیانگر یک رشد صددرصدی در مخارج نظامی آمریکا در طول ۷ سال می باشد. اختصاص میلیاردها دلار برای تامین بودجه نظامی هنگامت دولت آمریکا در شرایطی است که این کشور در یک بحران عمیق اقتصادی به سر می برد و بیکاری و فقر و گرسنگی و بی خانمانی در ابعادی چشمگیر گریبان توده های کارگر و زحمتکش و فقیر آمریکایی را گرفته است.

برای درک ابعاد منابع مالی که توسط دولت آمریکا صرف ماشین جنگی این کشور می شود، کافی ست تا اشاره شود که بنا به گزارش "وی کی پدیا" در سال ۲۰۰۵ بودجه نظامی دولت آمریکا تقریبا به اندازه مجموع تمامی بودجه ای بوده است که سایر دولتهای جهان صرف امور دفاعی خود می کردند.

اشغال دفتر یونسکو در اعتراض به تشدید جنایات بر علیه خلق کرد!

در اواخر ماه اکتبر ده ها تن از جوانان کرد در اعتراض به تشدید سرکوب خلق کرد در ترکیه با حمله به دفتر سازمان "یونسکو" در پاریس آن را به اشغال خود درآوردند. این جوانان، با تحویل اسنادی در ارتباط با موج اخیر رفتارهای جنایتکارانه دولت ترکیه و تشدید سرکوب مردم کرد به مسئولان "یونسکو"، از مسئولان این نهاد خواستار شدند که سازمان ملل فربیکاری و "دو رویی" های خود در قبال مردم کردستان را کنار بگذارد.

اشغال دفتر یونسکو درپاریس در پی وقوع یک رشته حملات وحشیانه دولت ترکیه بر علیه توده های زحمتکش کرد در ترکیه اتفاق افتاد. کمی پیش از این حرکت اعتراضی در تاریخ ۲۰ اکتبر یک دسته ۲۰ نفره از نیروهای مسلح وابسته به دولت ضد خلقی ترکیه در منطقه "آنامیور" ترکیه با حمله به ساختمان خوابگاه دانش آموزان کرد وحشیانه به سوی آنان آتش گشودند که در نتیجه این جنایت یکی از دانش آموزان زخمی شد و بسیاری از دانش آموزان با پرتاب خویش از طبقه اول ساختمان خوابگاه موفق به فرار شدند. دانش آموزان سپس با مراجعه به پلیس ضد خلقی ترکیه اقدام به شکایت نمودند ولی مقامات پلیس که بخوبی از ماهیت و هویت مهاجمین مسلح باخبر بودند، وقیحانه به دانش آموزان جواب دادند که "ماجره ایی" نظیر این اتفاق می افتد و ما نمی توانیم "کاری" انجام دهیم.



حیات نظام استثمارگرانه سرمایه داری با بحران

عجین است!

سقوط وحشتناک بازارهای مالی و بحران بانکی در قدرتمندترین و بزرگترین اقتصادهای جهان سرمایه داری یکبار دیگر عمق پوسیدگی و ارتجاعی بودن این نظام استثمارگرانه و بی آیندگی آن را به نمایش گذارد و گسترش خشم و نفرت و اعتراضات مردمی به این وضع، هراس و وحشت طبقات حاکم و دولتهای سرمایه داری را برانگیخت. سقوط پی در پی بزرگترین بانکهای امپریالیستی، محو سریع صدها میلیارد دلار از ارزش مؤسسات مالی و بانکی آنها تنها در عرض چند هفته در بازارهای سهام، نشانه های موج جدیدی از طوفانی را به طور چشمگیر به نمایش گذاردند که تمامی تار و پود نظام امپریالیستی را درنوردید. سرعت و ابعاد شوک ناشی از این طوفان اقتصادی حتی برای "واقع بین ترین" نظریه پردازان و استراتژیستهای نظام قابل هضم نبود. آنها اکنون از زبان جرج بوش با ندبه و زاری از این بحران به عنوان "بدترین بحران پس از جنگ جهانی دوم" نام می برند که اقتصاد آمریکا (و به تبع از آن کل دنیا) را با "خطر نابودی" مواجه کرده است؛ بدون آنکه ذره ای برایشان مهم باشد که عواقب خانه خراب کن این بحران بر دوش میلیونها تن از کارگران و توده های زحمتکش (در اشکال گرانی سرسام آور، از دست دادن اندوخته های مالی میلیونها تن از مردم زحمتکش و کم درآمد، بیکاری فزاینده و به موازات آن تشدید فقر و گرسنگی) چگونه زندگی اکثریت تحت ستم جامعه را با سقوط هر چه بیشتر روبرو ساخته است.

اکنون رسماً اعلام شده که بزرگترین اقتصاد دنیا یعنی آمریکا که حجم و قدرت آن معادل ۲۵ درصد اقتصاد کل جهان می باشد وارد دوره "رکود" شده که "دردناک و طولانی" بوده و ممکن است سالها طول بکشد. تنها در عرض یک سال اخیر شرکتهای آمریکایی این باصطلاح نمادهای قدرت و جاودانگی سرمایه داری در پیش رفته ترین کشور امپریالیستی یعنی آمریکا معادل ۹۸۸ میلیارد دلار یعنی به اندازه تمامی دارایی های بازار سهام سوییس ارزش خود را از دست داده اند. و این درحالی ست که موج ورشکستگی پی در پی مؤسسات صنعتی و مالی و به موازات آن اخراجهای هزاران هزار کارگر و کارمند این مؤسسات و رها کردن آنان در فقر و بیکاری به تیترا اخبار و گزارشات روزمره وسایط ارتباط جمعی بدل شده است.

این اوضاع بحرانی و خشم فزاینده مردمی، تمامی سرمایه داران زانو صفت و استثمارگر و دولتهای مجری اراده آنها را در سراسر جهان به وحشت انداخته است. دولت بوش در اقدامی که از زمان رکود بزرگ سالهای دهه ۱۹۳۰ تاکنون بی سابقه بوده است، در یک قلم تزریق ۷۰۰ میلیارد دلار از درآمدهای مالیاتی دولت که بخش اعظم آن از بابت استثمار و غارت کارگران و خلقهای تحت ستم و چاپیدن هر چه بیشتر سفره تهی آنها تهیه می گردد را برای پشتیبانی مالی و جبران قرضهای بزرگترین مؤسسات مالی و تولیدی و صنعتی متعلق به سرمایه داران زانو صفت اختصاص داده است.

در صفحه ۲

درسهای نهفته در یک رویداد...

از صفحه ۱

واقعیت این است که برغم تمامی تمهیدات سرکوبگرانه و ضدخلقی استبداد حاکم در طول ۲۰ سال گذشته برای تامین سلطه بی چون و چرای دیکتاتوری حاکم و ایدئولوژی ارتجاعی و اسلامی اش بر مراکز آموزشی و بویژه دانشگاه ها ، ما اکنون با حضور نسل مبارزی از دانشجویان آگاه، چپ و سوسیالیست روبرو هستیم که در بطن حرکتهای اعتراضی و جنبش دانشجویی جاری بر علیه این نظام به انحاء مختلف نقش ایفا می کنند.

در شرایطی که دیکتاتوری حاکم در سالهای اخیر بجز کاربرد حربه زور و تهدید و اختناق و زندان و شکنجه بنحو قابل چشمگیری بر ابعاد تبلیغات ضد انقلابی و هجوم سیاسی ایدئولوژیک خویش در تمام عرصه ها بر علیه جنبش مبارزاتی خلق ما افزوده است؛ در شرایطی که استبداد حاکم یک لحظه از سرکوب خلقهای ستمدیده ایران و سمپاشی بر علیه مبارزات رهایی بخش خلقهای تحت ستم غافل نمی شود؛ در شرایطی که مرتجعین حاکم با استفاده از انواع ابزارهای ضد خلقی و با کمک گرفتن از قلم بمزدان وزارت اطلاعات خود می کوشند تا با یک کار متمرکز تبلیغاتی و روانی از طریق چاپ کتابهای ضد انقلابی و تاریخ نگاریهای جعلی باورهای مبارزاتی مردم ما و بویژه جوانان و روشنفکران را زیر ضرب بگیرند و تجارب مبارزاتی نسل گذشته و سمبلهای مبارزاتی جوانان را مخدوش نموده و لجن مال کنند، حرکت مبارزاتی دانشجویان دانشگاه شیراز و ابراز علنی علاقه به "سوسیالیست" ها و پشتیبانی از خواستههای بر حق خلقهای تحت ستم ایران و دفاع از وحدت و برابری خلقها سند دیگری از رشد آگاهی مبارزاتی در جامعه ما و شکست و رسوایی جمهوری اسلامی در نیل به اهداف ضد خلقی اش می باشد. اکنون جمهوری اسلامی با نسلی از دانشجویان مبارز و آگاه در دانشگاه ها روبروست که علناً در مقابل دیکتاتوری حاکم صف می کشند از اندیشه های سوسیالیستی و مترقی دفاع می کنند، خود را طرفدار حل ریشه ای تضادها و نابسامانیهای عمیق اجتماعی می دانند، مدافع برابری و حقوق دمکراتیک خلقهای تحت ستم هستند و با سردادن شعار "ما زن و مرد جنگیم، جنگ تا بکنیم" نشان می دهند که می دانند که راه اصلی مبارزه با رژیم ضدخلقی حاکم و مزدوران آنها از کجا می گذرد. این بزرگترین مایه نگرانی رژیم ضد خلقی و سرکوبگر جمهوری اسلامی در دانشگاه هاست.

<http://www.siahkal.com>

از صفحه چریکهای فدائی خلق ایران در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com>

از صفحه اشرف دهقانی در اینترنت دیدن کنید:

شماره تلفن برای تماس با چریکهای فدائی خلق ایران 0044-7946494034

برای تماس با چریکهای فدائی خلق ایران با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051, LONDON, WC1N 3XX, ENGLAND

ipfg@hotmail.com

آدرس پست الکترونیک:

پرویز باد انقلاب!

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

زنده باد کمونیزم!

